

نهم محرم؛ محاصره خیمه‌ها در کربلا

روز نهم محرم سال ۶۱ هجری قمری است ... تحرکات سپاه عمر سعد در صحرای کربلا افزایش یافته و دیگر برای آغاز جنگ مصمم شده‌اند ..



روز نهم محرم سال ۶۱ هجری قمری است ... تحرکات سپاه عمر سعد در صحرای کربلا افزایش یافته و دیگر برای آغاز جنگ مصمم شده‌اند ... می‌خواهند جنگ را آغاز کنند که امام حسین (ع) بوسیله حضرت ابوالفضل العباس (ع) یک روز مهلت می‌گیرند.

رخدادهای روز نهم محرم و شب عاشورا سال 61 هجری قمری در ادامه می‌آید:

محاصره خیمه‌ها در کربلا

امام صادق (ع) فرمودند:

«تاسوعا روزی بود که امام حسین (ع) و اصحابش را در کربلا محاصره کرده و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند و پسر مرجانه و عمر سعد به خاطر کثرت سپاه و لشکری که برای آن‌ها جمع شده بود خوشحال شدند و آن حضرت و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یآوری از برای امام حسین (ع) نخواهد آمد و اهل عراق حضرتش را مدد نخواهند کرد.

آمدن امان‌نامه برای فرزندان ام‌البنین (ع)

در این روز شمر ملعون برای حضرت عباس (ع) و برادرانش امان‌نامه آورد. آن لعین خود را نزدیک خیمه‌های حضرت اباعبدالله رسانید و بانگ برآورد:

آشنایان ما کجایند؟

ولی آن بزرگواران جواب ندادند.

امام حسین (ع) فرمودند: جواب او را بدهید اگر چه فاسق است.

حضرت عباس (ع) در جواب فرمودند: چه می‌گویی؟

شمر گفت: من از جانب امیر برای شما امان‌نامه آورده‌ام. شما خود را به خاطر حسین (ع) به کشتن ندهید.

حضرت عباس (ع) با صدای بلند فرمودند:

«لعنت خدا بر تو و بر امیر تو (و بر امان تو) باد. ما را امان می‌دهید در حالی که پسر رسول خدا را امان نباشد؟»

درخواست تاخیر جنگ از سوی امام حسین (ع)

در عصر تاسوعا امام حسین (ع) برای به تعویق انداختن جنگ، یک شب دیگر مهلت گرفتند. چون عمر سعد، لشکر را آماده جنگ با امام (ع) نمود و معلوم شد که قصد جنگ دارند، حضرت به برادرش عباس (ع) فرمود تا یک شب دیگر مهلت بگیرد. آن‌ها در ابتدا قبول نکردند ولی بعد قبول نمودند که شبی را صبر کنند.

آمدن لشکر تازه نفس به کربلا

در این روز لشکر مجهزی به دستور ابن زیاد از کوفه وارد کربلا شد و شمر، نامه ابن زیاد را آورد.

خطابه امام حسین (ع) برای اصحابش

در عصر این روز امام حسین (ع) در جمع یاران خطبه‌ای قرائت فرمودند و اصحاب مجددا اعلام وفاداری کردند.

شب عاشورا

سخنان امام (ع) با اهل بیت و اصحابشان

در این شب امام حسین (ع) اصحاب و اهل بیت خود را جمع کردند و کلماتی را به آنان فرمودند. خلاصه کلمات این بود که:

«من بیعت خود را از شما برداشتم و شما را به اختیار خود گذاشتم تا به هر جا که می‌خواهید کوچ کنید».

پس از فرمایشات آن حضرت، اهل بیت (ع) و اصحاب کلماتی در وفاداری و جان نثاری خود نسبت به آن حضرت ابراز داشتند.

سخنان زینب کبری (س) با امام حسین (ع)

در این شب بود که زینت کبری (س) اشعار «یا دهر اف لک من خلیل، کم لک بالاشراق و الاصلیل» (ای روزگار اف بر تو باد که دوست بدی چه بسیار صبح و شام که صاحب و طالب حق را از دست داده‌ای). (کنایه از ناپایداری دوستی دنیاست). را از زبان برادرش امام حسین (ع) شنید و هنگامی که متوجه شد فردا روز شهادت آن حضرت است، فرمود:

«ای کاش مرگ مرا نابود ساخته بود و این روز را ندیده بودم».

سپس سیلی به صورت زد و بیهوش شد. امام (ع) خواهر عزیز و مکرمه خود را به هوش آوردند و مطالبی فرمودند.

منبع: ایسنا به نقل از تقویم شیعه، عبدالحسین نیشابوری، انتشارات دلیل ما، 1387